



امروز، بخش مهم از تقوا در والعاقبه للمتقين ایستادگی و هشباری است

پیام ولی‌امر مسلمین، حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای، به کنگره‌ی عظیم حج...

امروز، بخش مهم از تقوا در "والعاقبه للمتقين" ایستادگی و هشباری است
پیام ولی‌امر مسلمین، حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای، به کنگره‌ی عظیم حج

شرح حقایقی که قیام‌های مردمی آشکار می‌سازد
دو راه نجات گشوده شده در برابر آحاد امت اسلامی
قیام و انقلاب در برخی کشورهای از آیات بینات الهی است
به رغم دین‌زدائی حاکمان سکولار، اسلام، هدایتگر دلها و زبانها گشته
ملت‌ها قادرند نصرت الهی را نصیب خود سازند
آمریکا و دولتهای مستکبر، نخستین آماج بی‌زاری و نفرت ملت‌های این منطقه‌اند
طبیعت مزور و منافق قدرتهای غربی برای مردم این کشورها آشکار شد
مصادق بزرگ تقوا برای ملت‌های به‌پاخاسته، ایستادگی و هشباری است
ابزار مستکبران، تطمیع و تهدید و فریب است

جووان و روشنفکران و عالمان دینی باید بدقت مراقب تأثیرات ابزار مستکبران باشند
جبهه‌ی کفر و استکبار، تلاش می‌کند تا نظام‌های جدید، هویت اسلامی و مردمی نیابد
همکاری و همدلی و اتحاد کشورهای اسلامی، وصیت فراموش‌نشده‌ی امام خمینی عظیم است
تا چنگ و دندان قدرتهای خونخوار و وحشی غربی شکسته نشود، خطر برای کشورهای اسلامی متصور است
غرب و آمریکا و صهیونیسم، امروز از همیشه ضعیف‌ترند

ولی‌امر مسلمین، حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای، در پیامی به مناسبت کنگره‌ی عظیم حج، قیام و انقلاب در برخی کشورهای اسلامی را از مهمترین مسائل جهان اسلام و حقایق نهفته در آن راه، آیات بینات الهی برشمردند و با اشاره به وظیفه‌ی خطیر نسل بیدار جوان و روشنفکران و عالمان دینی در این مقطع سرنوشت ساز، تأکید کردند انقلاب‌های منطقه برای ادامه مسیر نیازمند دو عنصر "تداوم ایستادگی" و "هوشیاری در برابر حیل‌های قدرتهای بین‌المللی" هستند و نجات کشورهای اسلامی از خطرهای پیش رو جز با همدلی و اتحاد و تشکیل قطب قدرتمند جهان اسلام، امکان‌پذیر نیست.

متن پیام که روز چهاردهم آبان ماه مصادف با روز برائت از مشرکین در صحرائ عرفات توسط حجت‌الاسلام قاضی عسکر قرائت شد، به این شرح است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین و صلوات الله و تحياته على سيد الأنام محمد المصطفى و آله الطيبين و صحبه المنتجبين.
اکنون بهار حج، با طراوت و صفای معنوی و شکوه و حشمت خداداد، فرا رسیده و دل‌های مؤمن و مشتاق را پروانه‌وار بر گرد کعبه‌ی توحید و وحدت، به پرواز درآورده است. مکه و منا و مشعر و عرفات، منزلگاه انسان‌های خوشبختی است که به ندای: "و اذن فی التاس بالبحج...". (1) پاسخ گفته و به حضور در میهمانی خدای غفور و کریم سرفراز گشته‌اند. اینجا همان خانه‌ی مبارک و کانون هدایتی‌است که آیات بیّنات الهی از آن ساطع و چتر امان برفراز سر همگان در آن گسترده است.

دل را در زمزم صفا و ذکر و خشوع شستشو دهید؛ چشم باطن را به آیات روشن حضرت حق بگشائید؛ به اخلاص و تسلیم، که نشانه‌ی عبودیت حقیقی است، روی آورید؛ خاطره‌ی آن پدری را که با طوع و تسلیم، اسماعیلش را به قربانگاه برد، بارها و بارها در دل زنده کنید؛ و بدینگونه راه روشن و آشکاری را که برای رسیدن به دوستی ربّ جلیل در برابر ما گشوده است، بشناسید و قدم نهادن در آن را به همت مؤمنانه و نیت صادقانه‌ی خود بسپارید.

مقام ابراهیم یکی از همان آیات بیّنات است. جای پای ابراهیم (علیه‌السلام) در کنار کعبه‌ی شریف، تنها نمادی از مقام ابراهیم است. مقام ابراهیم، مقام اخلاص و گذشت و ایثار اوست؛ مقام ایستادگی او در برابر خواست نفسانی و عواطف پدرانه و نیز در برابر سیطره‌ی کفر و شرک و سلطه‌ی نمود زمانه است.

این هر دو راه نجات، هم‌اکنون در برابر یک‌دیگر ما آحاد امت اسلامی گشوده است. همت و شجاعت و عزم راسخ هر یک از ما می‌تواند ما را روانه به سوی همان هدفهائی سازد که پیام‌آوران رسالت الهی، از آدم تا خاتم، بشر را به سوی آن فراخوانده و وعده‌ی عزت و سعادت در دنیا و آخرت را به رهپویان آن داده‌اند.

در این محضر عظیم امت اسلامی، شایسته است که حج‌گزاران به مهمترین مسائل جهان اسلام بپردازند. اکنون در رأس همه‌ی این مسائل، قیام و انقلاب در برخی کشورهای مهم اسلامی است. در میانه‌ی حج سال گذشته و حج امسال، حوادثی در دنیای اسلام پدید آمده است که می‌تواند سرنوشت امت اسلامی را دگرگون ساخته و آینده‌ی درخشان و سرشار از عزت و پیشرفت مادی و معنوی را نوید دهد. در مصر و تونس و لیبی طاغوت‌های دیکتاتور و فاسد و وابسته، از سریر قدرت سرنگون شده‌اند و در برخی کشورهای دیگر، امواج پرخروش قیام مردمی، کاخ‌های زر و زور را به ویرانی و نابودی تهدید می‌کند.

این صفحه‌ی تازه گشوده از تاریخ امت ما، حقایقی را آشکار می‌سازد که همه از آیات بینات الهی است و به ما درس‌های حیاتبخش می‌دهد. این حقایق باید در همه‌ی محاسبات ملت‌های مسلمان به کار گرفته شود.

نخست آنکه اکنون از دل ملت‌هایی که دهها سال در سیطره‌ی سیاسی بیگانگان بوده‌اند، نسل جوانی سر برآورده است که با اعتماد به نفس تحسین‌برانگیز به استقبال خطر رفته و به رویارویی با قدرتهای مسلط برخاسته و همت به دگرگون‌سازی وضعیت گماشته است. دیگر آنکه به رغم تسلط و تلاش حاکمان سکولار و تلاش‌های پیدا و پنهان آنان برای دین‌زدائی در این کشورها، اسلام، با نفوذ و حضوری نمایان و پرشکوه، هدایتگر دل‌ها و زبان‌ها گشته و چون چشمه‌ای جوشان در گفتار و کردار توده‌های میلیونی، به اجتماعات و رفتارهای آنان طراوت و حیات بخشیده است. مأذنه‌ها و مصل‌ها و تکبیرها و شعارهای اسلامی، نشانه‌ی آشکاری از این حقیقت، و انتخابات اخیر تونس برهان قاطعی بر این مدعا است. بی‌گمان انتخابات آزاد در هر کشور اسلامی دیگر هم نتیجه‌ای جز آنچه در تونس پیش آمد، نخواهد داشت.

دیگر آنکه در حوادث این یک سال، به همه نشان داده شد که خداوند عزیز و قدیر، در عزم و اراده‌ی ملتها آنچنان قدرتی تعبیه کرده است که هیچ قدرت دیگر را یارای مقاومت در برابر آن نیست. ملتها با این نیروی خداداد قادرند سرنوشت خویش را تغییر دهند و نصرت الهی را نصیب خود سازند.

دیگر آنکه دولت‌های مستکبر و در رأس آنان آمریکا، که در طول دهها سال با ترفندهای سیاسی و امنیتی، دولت‌های منطقه را سر به فرمان خود ساخته و به پندار خود، جاده‌ی بی‌مانعی برای سیطره‌ی روزافزون اقتصادی و فرهنگی و سیاسی بر این بخش حساس جهان پدید آورده بودند، اکنون نخستین آماج بیزاری و نفرت ملت‌های این منطقه‌اند. اطمینان باید داشت که نظام‌های برآمده از این انقلاب‌ها هرگز به نامعادله‌ی خفتبار پیشین تن نخواهند داد و جغرافیای سیاسی این منطقه به دست ملتها و در جهت عزت و استقلال کامل آنان رقم خواهد خورد.

دیگر آنکه طبیعت مزور و منافق قدرتهای غربی برای مردم این کشورها آشکار شد. در مصر و تونس و لیبی - هر کدام به نوعی - آمریکا و اروپا تا توانستند، در نگهداری از مهره‌های خود کوشیدند و هنگامی که عزم ملتها برخواست آنان فائق آمد، به روی مردم پیروز لبخند مزورانه‌ی دوستی زدند.

حقایق گرانبها و آیات بینات الهی در حوادث یک سال اخیر در این منطقه بیش از اینها است و برای اهل تدبیر، دیدن و شناختن آن دشوار نیست. لیکن با این همه، امروز همه‌ی امت اسلامی و بویژه ملت‌های به‌پاخاسته، نیازمند دو عنصر اساسی‌اند:

نخست: تداوم ایستادگی و پرهیز شدید از سست شدن عزم راسخ. فرمان الهی به پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) در قرآن چنین است: "فاستقم كما امرت و من تاب معك و لاتطغوا" (2) و "فلذلك فادع و استقم كما امرت"، (3) و نیز از زبان حضرت موسی (علیه‌السلام): "و قال موسی لقومه استعینوا بالله و اصبروا انّ الارض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبه للمتقین". (4)

مصادق بزرگ تقوا در این دوره برای ملت‌های به‌پاخاسته آن است که حرکت مبارك خود را متوقف نسازند و خود را سرگرم دستاوردهای این مقطع نکنند. این است بخش مهم از تقوائی که دارندگان آن، به وعده‌ی "عاقبت نیک" سرفراز گشته‌اند.

دوم: هشیاری در برابر حیل‌های مستکبران بین‌المللی و قدرتهائی که از این قیام‌ها و انقلاب‌ها لطمه دیده‌اند. آنها بیکار نمی‌مانند و با همه‌ی توان سیاسی و امنیتی و مالی، برای برقراری دوباره‌ی نفوذ و قدرت خود در این کشورها، به میدان می‌آیند. ابزار آنان، تطمیع و تهدید و فریب است. تجربه‌ها نشان داده است که در میان خواص، هستند کسانی که این ابزارها در آنان کارگر می‌شود و ترس و طمع و غفلت، آنان را دانسته یا ندانسته به خدمت دشمن درمی‌آورد. چشم بیدار جوانان و روشنفکران و عالمان دینی باید بدقت مراقبت کند.

مهمترین خطر، دخالت و تأثیرگذاری جبهه‌ی کفر و استکبار در ساخت نظام جدید سیاسی در این کشورها است. آنان همه‌ی کوشش خود را به کار خواهند برد تا نظام‌های جدید، هویت اسلامی و مردمی نیابد. همه‌ی دلسوزان در این کشورها و همه‌ی آنان که به عزت و کرامت و پیشرفت کشور خود دلبسته‌اند، باید تلاش کنند تا اسلامیت و مردمی بودن نظام نوین، به تمام و کمال تأمین شود. نقش قانون اساسی‌ها در این میان، برجسته است. اتحاد ملی و به رسمیت شناختن دگرسانی‌های مذهبی، قبیله‌ای و نژادی، شرط پیروزی‌های آینده است.

ملت‌های شجاع و به‌پاخاسته در مصر و تونس و لیبی و دیگر ملت‌های بیدار و مبارز بدانند، نجات آنان از ظلم و کید آمریکا و دیگر مستکبران غربی، تنها و تنها در آن است که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار شود. مسلمانان برای اینکه بتوانند مسائل خود را به صورت جدی با جهان‌خواران حل کنند، باید خود را به مرز قدرت بزرگ جهانی برسانند؛ و این جز با همکاری و همدلی و اتحاد کشورهای اسلامی به دست نخواهد آمد. این، وصیت فراموش‌نشده‌ی امام خمینی عظیم است. آمریکا و ناتو به بهانه‌ی قذافی خبیث و دیکتاتور، ماه‌ها بر سر لیبی و مردم آن آتش ریختند. و قذافی همان کسی بود که پیش از قیام شجاعانه‌ی ملت لیبی، در شمار دوستان

نزدیک آنان به شمار میرفت؛ او را در آغوش میگرفتند، با دست او از ثروت لیبی میدزدیدند و برای خام کردن او، دستش را میفشردند یا میبوسیدند. ... پس از قیام مردم، او را بهانه کردند و تمام زیرساختهای لیبی را به ویرانی کشاندند. کدام دولت توانست از فاجعه‌ی کشتار مردم و ویرانی کشور لیبی به دست ناتو جلوگیری کند؟ تا چنگ و دندان قدرتهای خونخوار و وحشی غربی شکسته نشود، همیشه چنین خطرهایی برای کشورهای اسلامی متصور است و نجات از آن، جز با تشکیل قطب قدرتمند جهان اسلام میسر نیست. غرب و آمریکا و صهیونیزم، امروز از همیشه ضعیف‌ترند. گرفتاریهای اقتصادی، ناکامی‌های پی‌درپی در افغانستان و عراق، اعتراض‌های عمیق مردمی در آمریکا و دیگر کشورهای غربی - که دامنه‌ی آن روزبه‌روز گسترده‌تر شده است - مبارزات و جانفشانی‌های مردم فلسطین و لبنان، قیام‌های دلیرانه‌ی مردم در یمن و بحرین و برخی دیگر از کشورهای زیر نفوذ آمریکا، همه و همه حامل بشارتهای بزرگی برای امت اسلامی و بویژه کشورهای انقلابی جدید است. مردان و زنان مؤمن در سراسر جهان اسلام و بویژه در مصر و تونس و لیبی، از این فرصت برای تشکیل قدرت بین‌الملل اسلامی، بیشترین بهره را ببرند. خواص و پیشروان نهضتها به خدای بزرگ توکل و به وعده‌ی نصرت او اعتماد کنند و صفحه‌ی تازه‌گشوده‌ی تاریخ امت اسلامی را با افتخارات ماندگار خود، که مایه‌ی رضای الهی و زمینه‌ساز نصرت اوست، مزین سازند.

والسلام علی عباد الله الصالحین

سیدعلی حسینی خامنه‌ای

5 آبان 1390

29 ذی‌قعدة 1432

پی‌نوشت‌ها:

(1) حج: 27

(2) هود: 112

(3) شوری: 15

(4) اعراف: 128